

درس دوم

درناه ایمان

در درس قبل با برخی از صفات خداوند، آشنا شدیم. دانستیم که خالق هستی از تمام اعمال و رفتار ما آگاه است. او خیر و صلاح بندگان خویش را می‌خواهد و... با این حال افرادی را می‌بینیم که با اینکه خدا را به عنوان خالق هستی می‌شناسند؛ اما به دستورات او چندان توجهی نمی‌کنند. اینان با آنکه خداوند را آگاه بر تمام اعمال آشکار و پنهان خود می‌دانند، گاهی در حضور او گناه می‌کنند؛ با آنکه می‌دانند قوانین الهی برای نجات انسان از پلیدی‌ها و سوق دادن او به سوی زندگی سعادت‌مندانه است، بازهم از دستورات او سرپیچی می‌کنند.

همه این موارد نشان می‌دهد که شناخت ما از خالق خویش و رهنمودهای او به تنهایی، اطاعت و عمل به دستوراتش را در پی نخواهد داشت، بلکه در کنار شناخت خداوند نیازمند حقیقت دیگری هستیم تا سبب انجام دستورات او توسط ما شود.

به نظر شما آن حقیقت چیست؟

گاهی اوقات، انجام دادن کاری را مفید می‌دانیم اما در انجام آن کوتاهی می‌کنیم؛ مثلاً می‌دانیم که چند دقیقه ورزش در روز، سلامت و شادابی می‌آورد؛ اما برای انجام آن برنامه‌ریزی نمی‌کنیم. همچنین به زیان برخی کارها آگاهی داریم، اما از آنها دوری نمی‌کنیم. می‌دانیم رفتارها و کارهای ناشایست پایان خوبی به همراه ندارد؛ اما آنها را ترک نمی‌کنیم.

این نمونه‌ها نشان می‌دهد که تنها شناخت و آگاهی از یک مطلب برای عمل به آن کافی نیست؛

بلکه باید آن شناخت، به مرحله ایمان برسد. یعنی به آنچه می‌دانیم، ایمان داشته باشیم. به عبارت دیگر،

چه موقع شناخت ما منجر به عمل یک مطلوب خواهد شد؟

علم و شناخت مانند چراغی است که راه را نشان می‌دهد؛ اما داشتن چراغ، به تنهایی انگیزه لازم برای حرکت در آن راه را در انسان ایجاد نمی‌کند **ایمان** مشوق و محرک ما برای رفتن به سمت عمل است.



حقیقت ایمان

حال این سؤال مهم پیش می‌آید که «ایمان» چیست؟ **ایمان را تعریف کنید؟**

ایمان **اعتماد و باور قلبی کامل به یک موضوع یا حقیقت است، باوری که شوق عمل به آن**

حقیقت را در انسان ایجاد می‌کند. پس اگر کسی به دانسته‌های خویش ایمان داشته باشد، عمل به آنها

نیز به همراه آن خواهد آمد. به همین جهت حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

ایمان و عمل دو برادر همراه و دو دوست جدایی ناپذیرند امام علی علیه السلام درباره رابطه ایمان و عمل چه می‌فرماید؟

بنابراین شناخت ما از خدا وقتی منجر به عمل به دستورات او خواهد شد که این شناخت به

مرحله **ایمان** برسد. اگر ما با تمام وجود به خدا ایمان بیاوریم، عمل به دستورات او نیز به دنبال آن خواهد آمد.

بیشتر بدانیم

از کوزه همان برون تراود که در اوست

به نظر شما اگر کسی ادعا کند که در قلبش به خدا ایمان دارد؛ اما در عمل او یعنی در گفتار و رفتار و حتی نوع

پوشش او نشانی از ایمان به خدا مشاهده نشود، ادعای ایمان او واقعی است؟

اتاقی را با چند پنجره باز تصور کنید. شما بیرون از اتاق ایستاده‌اید. اگر هنگامی که همه جا تاریک است، یک

نورافکن بزرگ را در این اتاق روشن کنند، از بیرون چه چیزی دیده می‌شود؟

آیا امکان دارد در حالی که پنجره‌ها بازند و مانعی هم بر سر راه نور قرار ندارد، از این اتاق روشن هیچ نوری

خارج نشود؟

چشم، گوش، زبان و بقیه اعضای بدن ما، پنجره‌های قلب ما هستند.

اگر نور ایمان واقعی در قلب کسی وجود داشته باشد، بدون شک این نور از قلب او فراتر می‌رود و در گفتار و

رفتار او نمایان می‌شود و اگر قلب کسی به دلیل گناهان تیره و تار شده باشد، تأثیر آن در گفتار و کردار او نیز ظاهر

می‌شود؛ به قول معروف: «از کوزه همان برون تراود که در اوست».

آثار ایمان را نام ببرید؟

مهمترین دلیل آرامش روحی انسان با ایمان چیست؟

آثار ایمان

هنگامی که جوانه‌های ایمان در قلب ما پدیدار شود، تحولی شگرف در درون خود احساس خواهیم کرد که گویی، تولدی دوباره یافته‌ایم. آن‌گاه آثار ایمان به خدا را در جای جای زندگی خود مشاهده خواهیم کرد. برخی از این آثار، عبارت‌اند از:

۱- آرامش: از تأثیرات مهم ایمان به خدا، دست یافتن به آرامش روحی است. مهم‌ترین دلیل این آرامش این است که خداوند دل و جان آدمی را به گونه‌ای آفریده که جز با یاد و نام او، آرام نمی‌گیرد. وقتی انسان در این دنیا به هریک از خواسته‌های دنیایی - که سال‌ها آرزویش را داشته است - می‌رسد، پس از مدتی از آن دلزده می‌شود؛ زیرا هیچ خواسته‌ای نمی‌تواند جای خواسته واقعی قلب را، که همان رسیدن به خداست، بگیرد. از این روست که قرآن می‌فرماید:



آنها کسانی هستند که ایمان آوردند و دل‌هایشان با یاد خدا آرام می‌گیرد.

الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ

آگاه باشید که دل‌ها تنها با یاد خدا آرام می‌گیرد.*

أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ^۱

چه کسانی در زندگی خود احساس پوچی و بیهودگی می‌کنند؟

۲- رهایی از سردرگمی و بی‌هدفی: کسی که در زندگی خود، هدف والا و ارزشمندی

نداشته باشد، احساس بیهودگی می‌کند؛ زیرا داشتن هدف به زندگی انسان معنا می‌بخشد.

هدف زندگی انسان‌های مؤمن، برخاسته از اعتقاد به خداست. آنان معتقدند نه تنها انسان، بلکه

آفرینش همه چیز برای رسیدن به هدف مشخصی است و کاری که انسان باید انجام دهد، این است که

با کمک گرفتن از فرستادگان الهی، آن هدف را کشف کرده و برای رسیدن به آن بکوشد. این افراد

هیچ‌گاه در زندگی احساس پوچی نمی‌کنند؛ زیرا می‌دانند که خدا از خلق کردن آنان هدفی داشته و در

این جهان، به حال خود رها نشده‌اند. هدف زندگی انسان‌های مومن با انسان‌های بی‌ایمان چه تفاوتی

دارد؟

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا

آیا گمان کردید که ما شما را بیهوده آفریدیم

و به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟

وَ أَنْتُمْ إِلَيْنَا لَتُرْجَعُونَ^۲

چرا انسان‌های مومن در زندگی خود احساس پوچی نمی‌کنند؟

۱- سوره رعد، آیه ۲۸. *آیه با ترجمه حفظ شود.

۲- سوره مؤنون، آیه ۱۱۵.

کسانی که ایمان به خدا ندارند؛ ناگزیر زندگی را در همین چند روز دنیا خلاصه می‌کنند و آن را بی‌معنا می‌دانند. اینان ناگزیرند خودشان هدفی برای این زندگی بسازند و خود را با آن مشغول کنند.

برخی از این افراد تنها هدف زندگی خود را رسیدن به پول و مقام و شهرت، قرار می‌دهند. دسته‌ای دیگر خود را به لذت‌های زودگذر دنیا مشغول می‌سازند و غرق در شهوات می‌گردند. گروهی نیز هدف خود را فخر فروشی به دیگران با ماشین و لباس و مد و... قرار می‌دهند. مشخص است که این کارها به جای اینکه انسان را به مقصد و هدف اصلی خلقت برساند، از آن دور می‌سازد.

هدف اصلی انسان‌های بی‌ایمان در زندگی چیست؟

رسیدن به پول مقام شهرت - پرداختن به لذت‌های زودگذر، دنیا
و شهوات - فخر فروشی با ثروت



آیه زیر را بخوانید و با توجه به معنای آن یکی دیگر از آثار ایمان به خدا را بیان کنید.

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ
و اما کسانی که به خدا ایمان آوردند و به او تمسک جستند، به زودی
[خدا] آنان را در رحمت و فضل خود وارد خواهد کرد.
و يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا
و آنان را به سوی خود، به راه راست، هدایت می‌کند.

راه های دستیابی و تقویت ایمان به خدا را نام ببرید؟

راه های دستیابی و تقویت ایمان به خدا

قرآن کریم و پیشوایان معصوم علیهم السلام راه های رسیدن به ایمان را به ما نشان داده اند. این راه ها، ما را از مرحله شناخت خدا به مرحله ایمان واقعی به او می رساند و سبب تقویت و محکم شدن ایمان نیز می شود. برخی از این راه ها عبارت اند از:

۱- یاد و ذکر خداوند: حضور خداوند در خاطر ما در همه لحظات زندگی، در آغاز صبح، در طول روز و هنگام کار و تحصیل و در انتهای شب، سبب افزایش ارتباط ما با خدا و تقویت ایمان به او می شود. یکی از حکمت های نمازهای پنج گانه، زنده نگه داشتن یاد خدا در تمام طول شبانه روز است. همچنین توصیه فراوان به قرائت قرآن در طول شبانه روز نیز برای تقویت ایمان در دل است، تا آنجا که خداوند گوش سپردن به آیات قرآن را یکی از عوامل افزایش ایمان بر شمرده است.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ

مؤمنان فقط کسانی هستند

إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ

که وقتی یاد خدا شود، دل هایشان [از بیم نافرمانی

و کوتاهی در انجام دستورات او] ترسان است

وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ

و چون آیات خدا بر آنها تلاوت شود

زَادَتْهُمْ إِيْمَانًا

ایمانشان افزون می گردد.

مشغله‌های مداوم، وسوسه‌های شیطان و خواهش‌های نفسانی، آدمی را از یاد خدا غافل می‌کند. برای زدودن غفلت‌های مداوم، تلاوت روزانه قرآن کریم توصیه شده است. داشتن برنامه‌ای روزانه برای خواندن آیات قرآن یکی از کارهای ثابت بزرگان و پیشوایان دین بوده است؛ به گونه‌ای که امام خمینی رحمته‌الله‌علیه در طول شبانه‌روز در هشت زمان مختلف به قرائت قرآن می‌پرداختند.

علاوه بر خواندن قرآن، به جا آوردن نماز در پنج زمان، هم حال غفلت را به حال ذکر و یاد خدا مبدل می‌کند و هم گناهان را می‌شوید.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

«تا زمانی که مؤمن بر نمازهای پنج‌گانه در وقت آن محافظت کند، شیطان بی‌بوسته از او در هراس است»^۱.

مراجع عالی‌قدر از جمله رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، علاوه بر اینکه خود بر رعایت این موضوع مراقبت می‌کردند، همواره در رهنمودهای اخلاقی خود بر اقامه نماز اول وقت تأکید داشتند و می‌فرمودند: نمازهای پنج‌گانه را در پنج وقت بخوانید.^۲



۲- رساله نون، ج ۱، ص ۷۶.

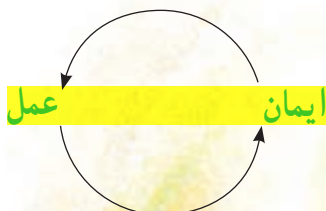
۱- عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۲، ص ۲۸.

نکته: میان ایمان و عمل نیک رابطه دوسویه برقرار است یعنی هر

کدام دیگری را تقویت می کند.

۲- انجام کارهای نیک و دوری از گناهان :

همان طور که ایمان به خداوند، عمل به دستورات او را به دنبال دارد، باید دانست که عمل به دستورات الهی نیز موجب تقویت ایمان می شود؛ یعنی میان این دو، رابطه دوسویه است و هر کدام دیگری را تقویت می کند. هر عمل نیکی، ایمان ما را قوی می کند و هر گناه، چون غباری صفحه دل را می پوشاند و به اندازه خود، مانع رسیدن نور ایمان به آن می گردد.



به نظر امام صادق علیه السلام چه چیزی ایمان را در دل پایدار

امام صادق علیه السلام می فرماید :

میکند؟

آنچه ایمان را در دل پایدار می کند، دوری از گناهان است.^{۱*}



با توجه به نظر امام علی علیه السلام چه عاملی موجب از بین رفتن ایمان می شود؟

امام علی علیه السلام می فرماید : هم نشینی با انسان های هوسران، موجب از

بین رفتن ایمان می شود.^۲

با توجه به این حدیث، بیان کنید دوستی با افراد فاسد چگونه موجب

از بین رفتن ایمان می شود؟

۱- خصال، ج ۱، ص ۹. * روایت حفظ شود.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۸۵.

۳- الگو قرار دادن انسان‌های مؤمن: یکی از راه‌های تقویت ایمان، مطالعه و تفکر در

زندگی انسان‌های مؤمن و سرمشق قرار دادن آنها در مسیر زندگی است. این افراد به دلیل ایمان بالای خود، نمونه‌های مناسبی برای ما هستند تا با پیروی از راه و رسم زندگی آنان و الگو گرفتن از اخلاق و رفتارشان، بتوانیم همچون این افراد، بر ایمان خویش به خداوند بیفزاییم. در قرآن کریم بارها داستان زندگی پیامبران و نیز زنان و مردان مؤمن دیگر برای الگو گرفتن ما بیان شده است. زنان بزرگی چون حضرت مریم سلام الله علیها و آسیه سلام الله علیها و مردانی همچون حضرت محمد ﷺ، حضرت ابراهیم علیه السلام و... .



به ترجمه آیات توجه کنید:

«و خداوند برای کسانی که ایمان آوردند، همسر فرعون را مثال می‌زند: آنگاه که گفت: پروردگارا، نزد خودت برایم خانه‌ای در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و عمل او و مردم ستمکار نجات بده. همچنین مریم دختر عمران را مثال زده است؛ همان کسی که خود را پاکدامن نگاه داشت!...»

به نظر شما چه ویژگی‌هایی در حضرت مریم و آسیه وجود داشت که خداوند آنان را به عنوان الگو معرفی می‌کند؟

نشانه‌های انسان مؤمن

بسیاری از ما دوست داریم بدانیم که انسان‌های مؤمن چه ویژگی‌ها و نشانه‌هایی دارند تا خودمان را با این ویژگی‌ها بسنجیم و در صورت نداشتن برخی از این صفات و ویژگی‌ها، آنها را در خود ایجاد کنیم.

خداوند در آیات ابتدایی سوره مؤمنون به توصیف ویژگی‌های انسان‌های مؤمن می‌پردازد و آنها را این گونه معرفی می‌کند:

بی‌تردید مؤمنان رستگار شدند، آنها که؛

خداوند در قرآن چگونه انسان های مومن را معرفی می کند؟(سه
یا چهار مورد)

نمازشان را با خشوع و فروتنی در برابر خداوند به جا می آورند.

از کارهای لغو و بی فایده دوری می کنند.

زکات مالشان را می پردازند.

دامان خود را از آلوده شدن به گناه و بی عفتی حفظ می کنند، ...

امانتدارند و به عهد خود وفا می کنند.

بر انجام به موقع نمازشان مراقبت می کنند.

اینان وارث بهشت اند و در آن جاودانه خواهند ماند. . . .

۱- توضیح دهید چرا با اینکه از خوبی برخی کارها آگاهیم؛ اما آن کارها را

انجام نمی دهیم؟

۲- دو مورد از راه های تقویت ایمان به خدا را بنویسید.

۳- مهم ترین دلیلی که باعث می شود انسان های مؤمن از آرامش روحی

برخوردار باشند، چیست؟

خودت را امتحان کن